

روباہ حیلہ گر

نویسنده

ناہیدہ اسماعیل

مترجم

رونا کیری



مجموعه ی داستان های خارجی ۲۱۵



بعد از آن، روباه حيله گر داخل تربوز را با آب پر کرد.



به نام خداوند بخشنده ی مهربان

چاپ اول : ۱۳۹۶



این کتاب از سلسله‌ی کتاب‌های **Book Dash** است که توسط گهواره به فارسی ترجمه شد.
حق چاپ و پخش مربوط به گهواره می باشد.

مجموعه‌ی داستان‌های خارجی

زیر نظر ذبیح مهدی

شماره ۲/۵

روباه حيله گر

نویسنده

ناهیده اسماعیل

تصویرگر و طراح

مدو ناتولی و سامانتا رایس



کابل ۱۳۹۶

بنگاه نشر کھواره
۱۳۹۶

مجموعه داستان های خارجی

۲/۵



نام کتاب: روباه حيله گر
نویسنده: ناهیده اسماعیل
مترجم: رونا کبیری
ناشر: گهواره
مجموعه‌ی داستان‌های خارجی
شماره‌ی مسلسل: ۲/۵
تصویرگر و طراح: مدو ناتولی و سامانتا رایس
ویراستار: فرشته مهدی
طرح و صفحه‌آرایی: شادی سیدی
سال نشر: ۱۳۹۶
آدرس: کابل، افغانستان
www.gahwara.com

گروه گهواره

هیأت مدیره

ایمان رشیدی، حضرت وهریز، ذبیح مهدی، صبور صمیم، فرشته مهدی، مهدی نایاب
منیر احمد، ندا فرحت، نوید صدیقی

سر دبیر : حضرت وهریز

سخنی با بزرگسالان

گهواره توسط جمعی نقاش، نویسندگان و مترجم، ویراستار و صفحه‌آرا به منظور تألیف و ترجمه‌ی کتاب برای کودکان افغانستان تأسیس شده است. گهواره، تا به حال کتاب‌هایی را به زبان‌های فارسی، پشتو و اوزبیک تألیف و یا از زبان‌های ترکی، اردو، دنمارکی، انگلیسی، جاپانی، روسی، آلمانی و فرانسوی ترجمه و برای چاپ آماده کرده است. گهواره سعی دارد تا با ارایه‌ی کتاب‌های جذاب در قالب داستان، شعر و سرگرمی برای کودکان، ارزش‌های پسندیده و عام‌بشری را در ذهن آن‌ها نهادینه سازد. تلاش گهواره نیز بر این است تا کودکان افغانستان که در بیرون از کشور به دنیا آمده‌اند، یا در کودکی به خارج رفته‌اند، پیوند خود را با مادران‌شان از راه سخن گفتن به زبان مادری حفظ کنند و از همین راه رابطه‌ی خویش را با مادر میهن پایا و پویا نگهدارند. آرزومند همکاری مادران و پدران هستیم و امیدواریم این کتاب‌ها را به دسترس کودکان‌شان قرار دهند و با آن‌ها یا برای آن‌ها بخوانند.

گهواره

تربوزه‌های فروشی

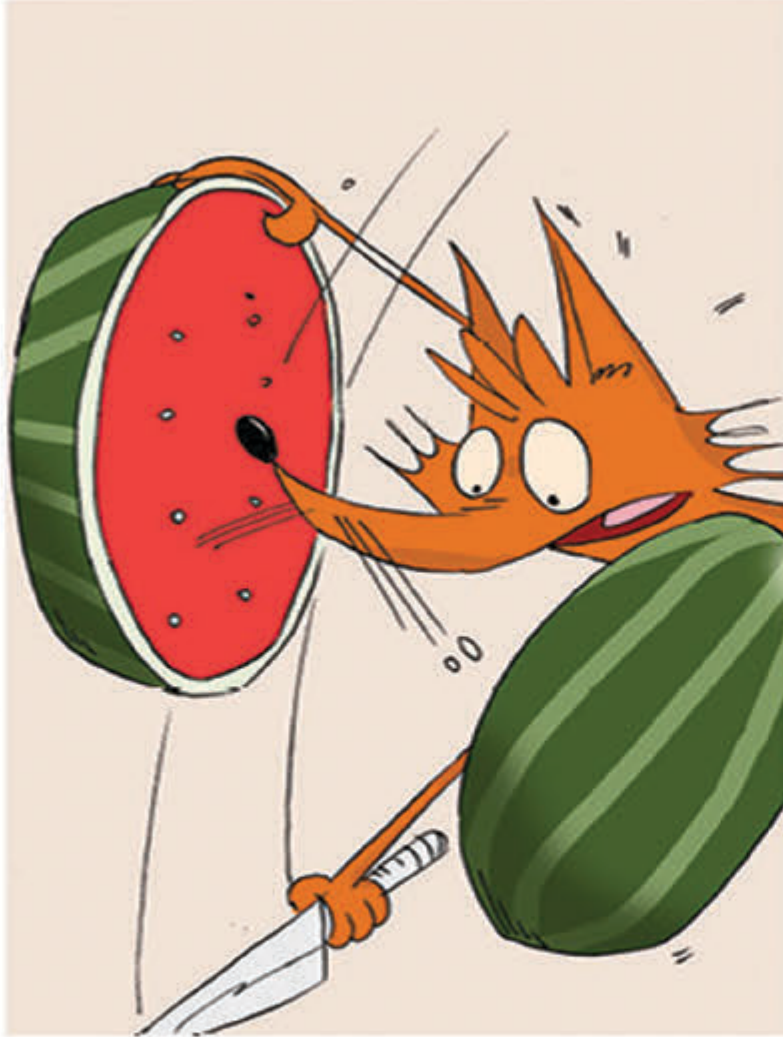
...اروپیه

روبه‌ای حیل‌ه‌ی گرخیلی هوشیار بود. او
تربوزه‌های بزرگ و تازه می‌فروخت.

زرافه گک هم به روباه گفت:
- چقه قیمت فروش استی!

روباه حيله گر نشسته بود كه
خرگوشك تير شد و گفت:
- تربوزا ره بسيار قيمت مي
فروشي!

روباه حيله گر مدتی با خودش فکر کرد. ناگهان یک
فکر جالب به ذهنش رسید.



او یک تربوز کلان و مزه‌دار را دو نیم کرد و خورد.
 قَلْبُ قَلْبُ قَلْبُ

۸

تربوز، هم خیلی خوش‌رنگ بود و هم خیلی سرخ و خوش‌مزه.
 روباه‌حیله‌گر با قاشق تمام سرخی‌های تربوز را می‌کند و می‌خورد تا این‌که داخل آن خالی شد.

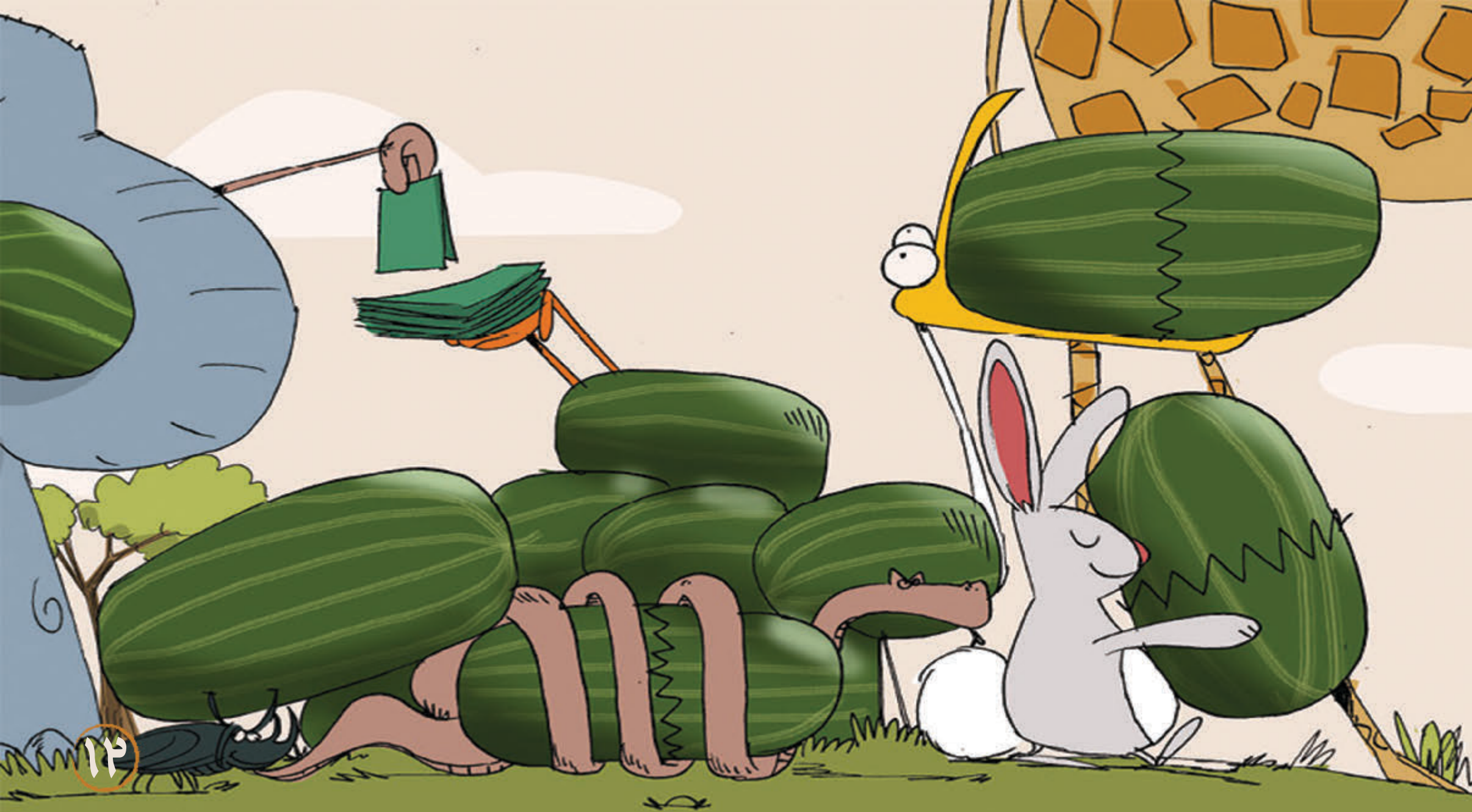


۷

بعد از آن، روباه حيله گر داخل تربوز را با آب پر کرد.

او با يك تار و سوزن هر دو نيمه‌ی تربوز را به هم ديگر دوخت.



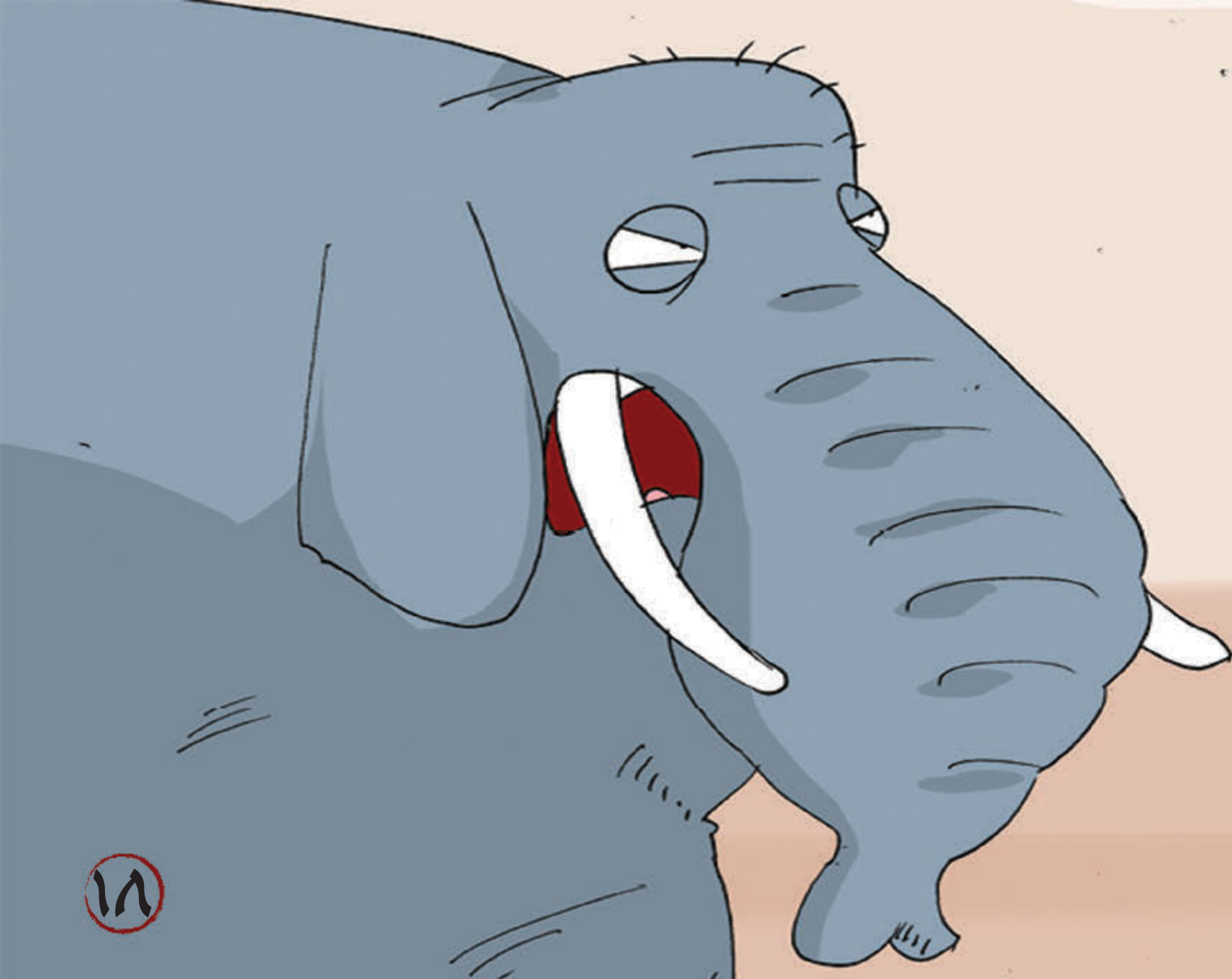


بعد از آن، تربوزها را ارزان ارزان فروخت.
حیوانات از هر طرف آمدند و تربوزهای روباه‌حیله
گر را خریدند.



. صدای شکایت شادی گک بلند شد:
- ای تربوز خو کُش او اس...

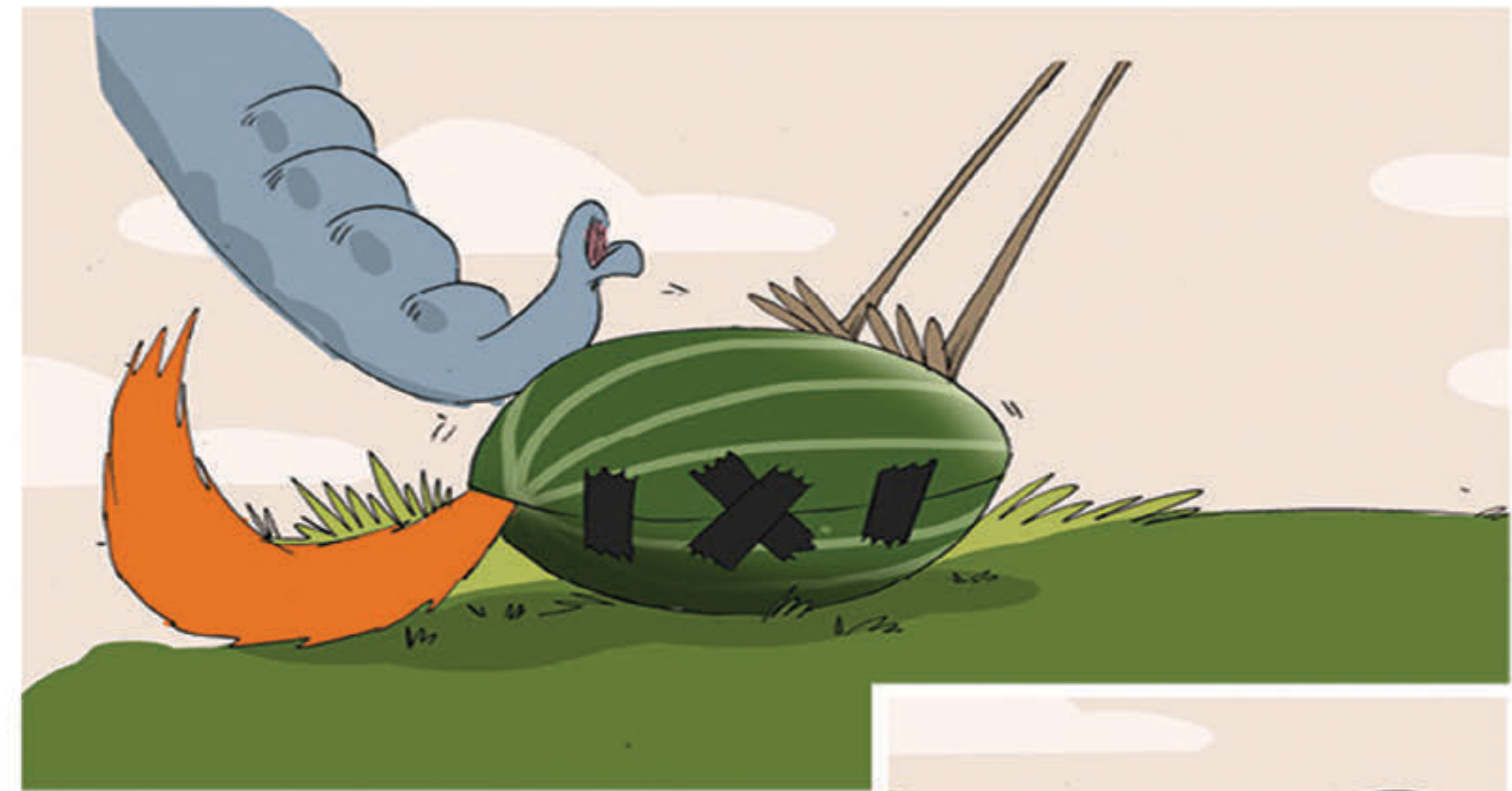
روباه حيله گر در جوابش گفت:
- خو هموقه كه پيسه دادى، همى قسم
هم تربوز گرفتى!



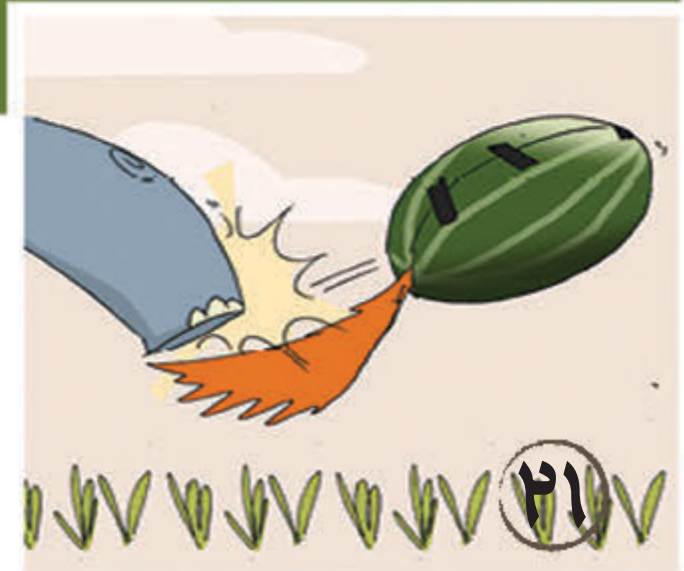
فیل هم که بسیار عصبانی شده بود گفت:
- بیایین ای روباه حيله گر ره یک جزا بتیم که بفامه کارِ خیلی بد کده.

تمام حیوانات دور هم جمع شدند و فکر کردند. در آخر، یک برنامه‌ی جالب جور شد.
بومک گفت:
-مه یک فکر خوب دارم.





بعد از آن، تمام حیوانات روباه‌حیله‌گر را داخل یک
تربوز خالی انداختند و با آن فوتبال بازی کردند.



روباه‌حیله‌گر خیلی گیج شده بود و سرش دور می‌خورد.
بالاخره، روباه‌حیله‌گر فهمید که کار بسیار بدی انجام
داده و نباید کسی را فریب بدهد.

